

مرکز پژوهش‌های مجلس درباره افزایش ناترازی گاز **هشدار داد**

تب تند پارس جنوبی

شرق: واردات گاز از کشور ترکمنستان در ماه جاری از سر گرفته می‌شود؛ این خبر را وزیر نفت اعلام کرده و شرکت ملی نفت سعی دارد آن را دستاوردی در راستای تبدیل ایران به مرکز تبادلات گازی منطقه معرفی کند، در حالی که این خبر تنها چند روز پس از انتشار گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شد.

صفحه ۴

سرمقاله

حقوق جامعه‌محور



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

بین علم جامعه‌شناسی و حقوق چه نسبت و ارتباطی وجود دارد؟ جامعه‌شناسی به‌عنوان علمی توصیفی، تبیینی و تجربی که با واقعیات و هست‌ها سروکار دارد، با حقوق که از جنس تجویز و هنجار است و باید‌ها را پوشش می‌دهد، چه پیوندی دارد؟ از منظر علم جامعه‌شناسی نمی‌توان واقعیات را از بالا ساخت. به عبارتی، دولت‌ها نمی‌توانند الگوی مطلوب جامعه مدنظر خود را برپا کنند. ساخت جامعه از طریق دولت‌ها یعنی ایجاد بحران در جامعه. جامعه‌شناسی با توصیف و تبیین واقعیت‌ها و هست‌ها شروع می‌کند؛ هرچند با رویکرد انتقادی. به عبارتی، جامعه‌شناسی مبنایی منطقی و تجربی دارد. در این علم برای اینکه فرضیه‌ها و ادعاهایی پذیرفته شوند، اولاً باید از نظر منطقی قابل فهم باشند و ثانیاً با واقعیات خارجی مطابقت داشته باشند؛ یعنی حاوی ادعاهایی درباره جهان اجتماعی باشند. براساس این جامعه‌شناسی توضیح قانونمندی‌های حاکم بر رفتارهای اجتماعی شکل و جهت یافته است. البته در نظریات جامعه‌شناسی گاهی می‌توان رگه‌هایی از گزاره‌های هنجاری و تجویزی دید؛ مثلاً رویکرد آسیب‌شناسی در جامعه‌شناسی را می‌توان نام برد که برخی موضوعات را آسیب می‌دانند و آسیب دانستن برخی موضوعات نشان‌دهنده رویکرد ارزش‌انگارانه خاص است. رویکرد آسیب‌شناسانه در علم یعنی داوری‌کردن و افتادن به دامن یک نظام ارزشی خاص و از دست رفتن بی‌طرفی ارزشی. به موضوع اصلی این نوشته برگردیم. مسئله عبارت است از پیوند بین واقعیات که موضوع جامعه‌شناسی است و تجویزها و هنجارهای الزام‌آور که موضوع علم حقوق است. گاهی گفته می‌شود باید بین این دو تعادل برقرار شود؛ یعنی تجویزها و دستورها به واقعیات نزدیک شود. با شناخت واقعیات اجتماعی و تغییر و تحولاتی که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد، هنجارهای الزام‌آور قانونی مصوب و اجرایی شود. چنین تعاملی که از آن به‌عنوان رویکرد حقوق جامعه‌محور نام می‌بریم، می‌تواند دوام ساختار و نظم موجود را بیشتر کند. یکی از مؤلفه‌های رویکرد فوق این است که قانون پذیرش اجتماعی داشته باشد. در صورت عدم ارتباط و پیوند بین مباحث جامعه‌شناسی و دستورات حقوقی و قانونی مسئله‌ای شکل می‌گیرد که عبارت است از اینکه چیزی در قانون و حقوق جرم تلقی شده؛ درحالی‌که گروه زیادی در جامعه آن را جرم تلقی نکنند.

دورکیم یکی از بنیان‌گذاران علم جامعه‌شناسی در نظریه همبستگی اجتماعی برای حقوق جامعه‌محور اهمیت زیادی قائل است. از نظر او نماد و عینیت همبستگی اجتماعی در نظام حقوقی خود را نشان می‌دهد. نمی‌توان از همبستگی اجتماعی و عرصه عمومی سخن گفت؛ ولی به رابطه آن با حقوق نپرداخت. حقوق در جامعه جدید، که مبتنی بر فردگرایی و تمایزات و تنوعات است، جنبه ترمیمی دارد؛ درحالی‌که در جوامع گذشته، که همبستگی اجتماعی بر مبنای همسانی‌ها و یکسانی‌ها شکل گرفته بود، جنبه بازدارندگی داشت. جنبه ترمیمی‌بودن؛ یعنی اینکه مجازات و تنبیه در راستای ایجاد همبستگی اجتماعی است. براساس این جامعه‌شناسی رویکرد جامعه‌محور به حقوق دارد، نه رویکرد فردی و شخصی؛ بنابراین مفاهیمی مانند حقوق، قانون و جرم ماهیت اجتماعی دارند، نه ماهیت فردی و شخصی.

گاهی گفته می‌شود که مبنای حقوق و قانون در ایران فقه است و طرح مباحث جامعه‌شناختی راه به جایی نمی‌برد؛ البته فقه هم بی‌نیاز از مباحث جامعه‌شناسی نیست و اگر پیوندی بین این دو برقرار شود، باعث پویایی فقه می‌شود؛ یعنی مباحث علم جامعه‌شناسی می‌تواند نوع نگاه فقه به مباحث اجتماعی حقوق و قانون را تغییر دهد؛ پس قانونی که قرار است جامعه به پایدها و دستورات الزام‌آور آن تن بدهد، نیاز است وابسته به جامعه دیده و تحلیل شود، نه مستقل از آن. از این منظر، آنچه در قانون و حقوق رخ می‌دهد، در پیوند و رابطه با مباحثی است که در جامعه رخ می‌دهد؛ یعنی وابسته به تغییرات جامعه. در جامعه‌شناسی این گزاره پذیرفته شده است که حقوق در اصل به توسعه و تحول جامعه وابسته است و تغییر در مباحث حقوقی نه‌تنها متکی به تغییر اجتماعی است؛ بلکه در پی آن می‌آید (نگاه کنید به کتاب سوندربرگ).

این روزها که مباحث قانونی و حقوقی در جامعه بیش از هر زمانی مطرح می‌شود، نیاز است که به پیوند و آرایش مناسب بین مباحث جامعه‌شناسی و حقوق هم توجه ویژه‌تری شود. یک نظم قانونی و حقوقی اگر مردم آن را بپذیرند، دوام بیشتری دارد؛ علاوه‌براین قوام و توان حقوق به عدالت‌گستری آن هم وابسته است. جامعه‌شناسی از مفهوم حک‌شدگی برای توضیح رابطه جامعه و حقوق استفاده می‌کند؛ یعنی اینکه حقوق و قانون در دنیای جدید از جامعه فک‌شده نیست. با توجه به پیچیدگی روزافزون جامعه و تنوعات و تکررات نیاز است بیش‌ازپیش به مباحث اجتماعی (واقعیات اجتماعی و تغییرات اجتماعی) در تدوین قوانین و مباحث حقوقی توجه شود. این نکته را نباید از نظر دور داشت که قانون فقط بر افراد اعمال نمی‌شود؛ بلکه در راستای منافع و خواست جامعه هم قرار دارد.



چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ • ۱۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۴ • ۷ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: سه ماه پس از امضای توافق میان عربستان و ایران برای ازسرگیری روابط سفارت ایران در ریاض بازگشایی شد، در پی بالاگرفتن بحران در شمال کوزوو نیروهای کمکی ناتو وارد منطقه شدند؛ بازشدن زخم کهنه

گزارشی از رومانیای موşk هایپیرسونیک با برد ۱۴۰۰ کیلومتری در حضور رئیس جمهوری و بازخوانی بازخوردهای جهانی آن

«فتاح»، فراسوی صوت

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید

حراج پایتخت؟

گزارشی از تخلفات پی‌درپی کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران



♦ علی، عسکری جدایی‌صل، آتا

۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ است که با عدد و رقم این جریان را تشریح کرده و نشان‌دهنده تضاد اساسی میان ادعاهای اخیر شهردار درباره مسکن‌سازی برای طبقه کم‌درآمد و آن چیزی است که در عمل در تهران در جریان است. به زبان ساده، برخی مصوبات کمیسیون ماده ۵ بدون تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی ابلاغ می‌شود. رویه‌های گذشته در شهرفروشی بدون توجه به آینده شهر آغاز شده و جایی نیست که دست نبرده باشند؛ از باغات و بافت فرسوده تا بلندمرتبه‌سازی و سرانه خدماتی و زمین‌های خدمات شهری. متن نامه‌ها و گزارش شورای عالی درسایت «شبکه شرق» منتشر شده و با اسکن کد می‌توانید به تصویر اسناد دسترسی پیدا کنید.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

سهم مردم از صندوق رأی



افشین حبیب‌زاده

انتخابات مجلس پیش‌رو است و یکی از موضوعات مهم میزان اقبال مردم یا همان مشارکت مردم در این انتخابات است. براساس آمار منتشرشده، در آخرین انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸، ۴۲/۵درصد و در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰، ۴۸/۸۸ درصد مردم شرکت کردند. این آمار در تهران به ترتیب ۲۶/۲ درصد و ۳۴/۴۳ درصد بوده است.

در خصوص عوامل مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات، میلبراث نویسنده کتاب «مشارکت سیاسی» به محرک‌هایی مانند محرک محیطی، پایگاه اجتماعی و شخصیتی اشاره می‌کند که موارد متعددی ازجمله نقش احزاب و وجود رقابت سیاسی، اجتماعی بودن و برون‌گرایی، میزان درآمد و موقعیت اجتماعی و جایگاه طبقاتی را در بر می‌گیرد که می‌تواند بر میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار باشد. در سنجش مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با معیارهای مذکور، می‌توان چنین برداشت کرد که بخشی از مردم در میان گروه‌های گوناگون جامعه به این نتیجه رسیده‌اند که انتخابات و تغییر نخبگان سیاسی ظرفیت لازم برای برون‌رفت از شرایط اقتصادی موجود و خروج از بن‌بست سیاسی پایان‌دادن به نابرابری را ندارد. در یک کلام بحران دستاورد موجب کاهش سرمایه اجتماعی در میان این بخش از مردم شده است.

موقعیت ذکرشده سؤالات متعددی را به اذهان متبادر می‌کند ازجمله اینکه چرا احزاب و شخصیت‌های سیاسی پس از پیروزی در انتخابات توان اجرای برنامه‌های حاکی از رونق و توسعه خود را ندارند؟ این ناتوانی ناشی از ناکارآمدی ایشان و تیم همراه است یا موانعی از جنس قانون و بوروکراسی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و از این قبیل؟ و با شاید اساساً وعده‌ها در چارچوب اختیارات ایشان نبوده است؟ و اینکه آیا صندوق رأی نباید منجر به حل مسائل کشور شود؟ آیا سهم مردم از دموکراسی فقط شرکت در انتخابات است و سهم فرادستان، قدرت و ثروت؟ و درنهایت اینکه مردم چه سهمی از صندوق رأی دارند؟

همه این سؤالات همچون علانمی حامل پیام‌هایی است که اگر به آن بی‌توجهی شود و پاسخ قانع‌کننده داده نشود، می‌تواند به ناامیدی از صندوق رأی منجر شود. ناامیدی از صندوق رأی نیز به نوبه خود منجر به کاهش شدید سرمایه اجتماعی و سلب اعتماد مردم نسبت به دولتمردان می‌شود. درواقع می‌توان چنین ادعا کرد که دموکراسی و صندوق رأیی که مسئله‌حل‌کن نباشد و به تعارضات پایان ندهد و مردم از آن احساس بهبودی نکنند محکوم به شکست خواهد بود و نتیجه آن به کاهش مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین شیوه‌های آن خواهد انجامید.

افزایش مشارکت مردم در انتخابات همچون کاهش آن یکباره رخ نمی‌دهد و نیازمند جلب اعتماد مردم از طریق سلسله اقداماتی در حوزه‌های مختلف است.

ادامه در صفحه ۴



«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، تداوم تنش در مناسبات آذربایجان-ایران و دلایل تنش‌زایی‌های همسایه را بررسی می‌کند

باکو؛ میدان تل آویو



صفحه ۲

واکنش صداوسیما به گزارش «شرق»

پاسخ وزارت نفت به گزارش «شرق»

فاز ۱۱ پارس جنوبی امسال به بهره‌برداری می‌رسد

پاسخ دانشگاه امیرکبیر به یک گزارش

دومین گزارش از وضعیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی پایتخت در صحن شورا

اتوبوس‌های نوبه تهران نرسیدند

تقلای آبی‌ها برای انتخاب جانشین ساپینتو

استقلال در تیررس «ایرانیزه‌شدن»

یادداشت

لطفا افکار سنجی کنید



حسین نوری‌نیا

مدتی است در برخی از ساعات بعدازظهر در پیاده‌رو ضلع جنوبی میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر، فقط ضلع جنوبی این ۱۲۰۰ متر آن هم در برخی از ساعات بعدازظهر، گروهی از خانم‌های محجبه در معیت تعدادی مردان لباس‌شخصی، قدم می‌زنند. به نظر می‌رسد این قدم‌زدن، دو هدف را دنبال می‌کند: یکی ترکیب پوششش لباس و حجاب را در این پیاده‌رو تا حدی تغییر دهد و دوم، به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل شود. آن هم فقط برای حجاب. خانم‌ها به صورت دوفره‌ای بیشتر با هم قدم می‌زنند و به دختران بی‌حجاب که در حال قدم‌زدن، خریدکردن، تماشای کتاب‌فروشی‌ها و بساطی‌ها یا حتی نشستن روی صندلی‌های کنار پیاده‌رو و خوردن چیزی هستند، تذکر می‌دهند که حجاب‌شان را رعایت کنند تا اینجا به نظر می‌رسد یک امر عادی در حال رخ‌دادن است، ولی توجه به نکات زیر نشان می‌دهد که همین رفتار به نظر عادی از نگاه مجریان و برنامه‌ریزان، با خود چه مسائلی به همراه دارد:

۱- اصلاً نسبت به سازمانی این خانم‌ها مشخص نیست. کسی نمی‌داند آنها از کجا آمده‌اند. نامشخص‌بودن مرجع این کار، به‌ویژه غیرپاسخ‌گو بودن این خانم‌ها، می‌تواند نوعی هرج‌ومرج را به دنبال خود بیاورد. وقتی از آنان پرسش می‌شود شما چه‌کار هستید، فقط می‌گویند: ضابط قضائی! این ضابطان قضائی از سوی قوه قضائیه در این پیاده‌رو قدم می‌زنند یا از سوی سازمان‌های دولتی و...؟ هیچ چیز مشخص نیست. نه روی لباس‌شان آرمی وجود دارد و نه نسبت به پرسشی که می‌شود، پاسخ شفاف ارائه می‌دهند.

۲- تذکر این خانم‌ها عمدتاً به دختران جوان است که بدون حجاب در حال گذر یا انجام کاری هستند. دختران جوان در مواجهه با این تذکرات عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای سکوت می‌کنند و نشنیده می‌گیرند و عده‌ای دیگر نسبت به آن با ترش‌کردن رو یا حتی زان‌کوب‌های عمل‌نشان می‌دهند. وضعیتی ایجاد شده که از یک سو، دختران جوان با شنیدن تذکر احساس تحقیر می‌کنند و واکنش زبانی تند نسبت به تذکردهنگان نشان می‌دهند. از سوی دیگر، زنان محجبه تذکردهنده را با کوله‌باری از واکنش‌های تند متقابل به خانه می‌فرستند. آنها حتماً وقتی شب‌ها اندکی با خود خلوت می‌کنند، بار سنگین این رفتارها را به خوبی حس می‌کنند.

۳- شیوه تذکر‌دادن این خانم‌ها اصلاً متناسب با آن محیط و سن و سال دختران بی‌حجاب نیست. گاهی همین‌طور که قدم می‌زنند یعنی در همان حال حرکت، تذکر می‌دهند و مثلاً می‌گویند: «تو هم آن شالت را بکش روی سرت»! این شیوه عمل، اساساً کشتی به همراه ندارد و عمدتاً به واکنش منتهی می‌شود. در چنین شرایطی، واکنش‌ها اصلاً مثبت نیست؛ چراکه دختران جوان در دنیای خودشان در حال عبور و گفت‌وگو با دوستان خود یا انجام کاری هستند که دفعتها با چنین جمله‌ای مواجه می‌شوند؛ جمله‌ای که اصلاً انتظار شنیدن آن را ندارند.

ادامه در صفحه ۴